

Development of early intervention program based on cognitive- behavioral theory for divorced children with emotional- behavioral disorders and its effectiveness in aggression of divorced children

Zahra Asgharpour Lashkami¹, Maryam Asaseh², Leila Kashani Vahid³, Majid Ebrahimpour⁴

1-Phd Student, Department of Psychology and Exceptional Children, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: Maryam.asaseh@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4- Assistant Professor, Department of Psychology, Ghaenat Branch, Islamic Azad University, Ghaenat, Iran.

Received: 27/04/2023

Accepted: 15/10/2023

Abstract

Introduction: Divorce is one of the most important causes of tension and pressure on children.

Aim: The research aimed to develop of early intervention program based on cognitive-behavioral theory for divorced children with emotional-behavioral disorders and its effectiveness in aggression of divorced children.

Method: The research scheme was mixed (qualitative-quantitative). The statistical population in qualitative part consisted of articles and documents related to divorced children and all the professors and specialists in children's psychological disorders and quantitative part consists of all the girls of divorced families of Astaneh-ashrafiyeh in 2022. Moreover 30 people were selected by purposive sampling and randomly replaced in experimental and control groups. The intervention program was performed in 12 sessions of 90 minutes, two session per week for experimental group. Instruments included Achenbach's Children Behavioral Check list (2001) and Shahim's Primary School Aggression Questionnaire (2006). The data in the qualitative part were analyzed by thematic analysis and in the quantitative part by multivariate analysis of covariance.

Result: The results showed the content validity of the intervention program was equal to 0.75 up to 1 and there is significant difference between the pre-test and post-test scores of the groups in aggression ($P < 0.01$). In general, the early intervention program based on cognitive-behavioral theory for divorced children with emotional-behavioral disorders is effective on aggression in divorced children ($P < 0.01$).

Conclusion: Based on findings developed intervention program was effective in aggression of divorced children. Therefore, this intervention program can be used as an effective intervention to reduce aggression of divorced children.

Keywords: Divorce, Mental disorders, Aggression

How to cite this article: Asgharpour Lashkami Z, Asaseh M, Kashani Vahid L, Ebrahimpour M. Development of early intervention program based on cognitive- behavioral theory for divorced children with emotional- behavioral disorders and its effectiveness in aggression of divorced children. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2023; 10(5): 44-57. URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1806-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

تدوین برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری و اثربخشی آن بر پرخاشگری کودکان طلاق

زهرا اصغرپور لشکامی^۱، مریم اساسه^۲، لیلا کاشانی وحید^۳، مجید ابراهیم پور^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (مولف مسئول). ایمیل:

Maryam.asaseh@gmail.com

۳. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی، واحد قائنات، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

چکیده

مقدمه: طلاق یکی از مهمترین عوامل ایجاد تنش و فشار بر روی کودکان است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تدوین برنامه مداخله‌ای مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری و بررسی اثربخشی آن بر پرخاشگری کودکان طلاق انجام شد.

روش: طرح پژوهش از نوع آمیخته (کیفی- کمی) بود. جامعه آماری بخش کیفی شامل مقالات و متون مرتبط با کودکان طلاق و همچنین کلیه اساتید دانشگاه و متخصصان اختلالات روانشناختی کودکان و بخش کمی شامل، کلیه کودکان دختر خانواده‌های طلاق شهر آستانه اشرفیه در سال ۱۴۰۱ بود، که تعداد ۳۰ کودک به روش هدفمند انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل جایدهی شدند. برنامه مداخله ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، هفته‌ای ۲ جلسه برای گروه آزمایش اجرا شد. ابزارهای پژوهش شامل چک لیست رفتاری کودک آخنباخ (۲۰۰۱) و پرسشنامه پرخاشگری کودکان شهیم (۱۳۸۵) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون و در بخش کمی از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که روایی محتوایی برنامه مداخله معادل ۰/۷۵ تا ۱ است، و بین میانگین نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه در پرخاشگری تفاوت معنادار وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). به طور کلی برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق بر پرخاشگری کودکان طلاق تاثیر معنادار داشت ($P < ۰/۰۱$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌ها برنامه مداخله‌ای تدوین شده بر پرخاشگری کودکان طلاق موثر بود؛ بنابراین می‌توان از این برنامه به عنوان برنامه‌ای موثر برای کاهش پرخاشگری کودکان طلاق استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: طلاق، اختلالات روانشناختی، پرخاشگری

مقدمه

خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی زمینه‌ساز جوامع و تاریخ بشر است و طلاق^۱ یکی از مهم‌ترین شاخص آشفستگی و آسیب‌پذیری خانواده است (فاضل، طهماسبی گرمتمانی و حسینی المدنی، ۱۳۹۸). خانواده برای رشد بهنجار فرزندان نقش مهمی دارد و تغییرات خانواده پس از طلاق گاهی عواقب سنگینی را برای اعضای خانواده با خود به همراه دارد (اهارا، ساندلر، ولچیک و تین^۲، ۲۰۱۹). این در حالی است که آمار طلاق در کشور به صورت چشمگیری هر ساله روند صعودی دارد (سبزاواری، خوی نژاد و صفاریان طوسی، ۱۴۰۰). آمار بالای طلاق منجر به نگرانی بسیاری از متخصصین جامعه شده است، چرا که طلاق خطر ناسازگاری رفتاری و اجتماعی را افزایش می‌دهد (مافورا، مولات، متلاکالا و موهلاتلول^۳، ۲۰۲۱). تیونیس، ولدومن، کلوسترمز و ریجنولد^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط طلاق والدین و مشکلات رفتاری-عاطفی کودکان پرداختند، نتایج حاکی از این بود که مشکلات رفتاری در کودکان پس از طلاق والدین، افزایش می‌یابد. با نگاهی به مطالعات انجام شده، شاهد این هستیم که کودکان خانواده‌های طلاق نسبت به همسالان خود از لحاظ عاطفی، اجتماعی و تحصیلی در سطح پایین‌تری قرار دارند. نتایج بررسی یولاف و سمرسی^۵ (۲۰۱۸) بیانگر این بود که کودکان خانواده‌های طلاق در معرض خطر اختلالات روانشناختی بیشتری قرار دارند. کودکان طلاق نسبت به همسالان خود از لحاظ اجتماعی، سلامت روان و تحصیلی در سطح پایین‌تر و از لحاظ مشکلات عاطفی-

رفتاری در سطح بالاتری قرار دارند (لاهدپور، ساویلین، لاهتی-پولکینن، اریکسون، لاهتی و همکاران^۶، ۲۰۱۹). طی بررسی‌های انجام شده یکی از اختلالات رفتاری رایج در میان کودکان طلاق، پرخاشگری^۷ است. پرخاشگری رفتاری است که برای آسیب رساندن یا آزار دیگری صورت می‌گیرد که ممکن است به دلیل مشکلات رفتاری یا روانشناختی ایجاد شود (یوسفی افراشته، خان احمدی و معصومی، ۱۴۰۰). عوامل مختلفی می‌تواند سبب‌ساز رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان باشد (سادوک و سادوک^۸، ۲۰۲۲). مطالعات نشان داده‌اند که طلاق والدین یکی از علل ایجاد پرخاشگری در کودکان است (اسلاگتر، لیبری، فاگلن و رسن^۹، ۲۰۲۰). بررسی پژوهش زینلدین^{۱۰} (۲۰۱۹) و عابدین و حیدری (۱۴۰۰) نشانگر این بود که پرخاشگری در کودکان طلاق نسبت به سایر کودکان شایع‌تر است. پرخاشگری تأثیر مخربی بر روی کودک، محیط و جامعه دارد که در صورت عدم توجه به درمان به آسیب‌های اجتماعی جدی‌تری در دوران بزرگسالی تبدیل می‌شود (ورهوف، دیچک و کاسترو^{۱۱}، ۲۰۲۱).

یکی از رویکردهای درمانی متمرکز بر مشکلات رفتاری کودکان، رویکرد شناختی-رفتاری^{۱۲} است (وچر، رمو، دریور، سولر، پیکت و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۲). این رویکرد ترکیبی از تکنیک‌های شناختی و رفتاری است که به افراد کمک می‌کند تا الگویی‌های تحریف شده و ناکارآمد خود را شناسایی و اصلاح کنند و بر روی شناخت و رفتار

^۶- Lahdepuro, Savolainen, Lahti-Pulkinen, Eriksson, Lahti & et al

^۷- Aggression

^۸- Sadock & Sadock

^۹- Slaughter, Leaberry, Fogleman & Rosen

^{۱۰}- Zineldin

^{۱۱}- Verhoef, Dik & Castro

^{۱۲}- Cognitive-behavioral theory

^{۱۳}- Vacher, Romo, Dereure, Soler, Picot & et al

^۱- Divorce

^۲- O'Hara, Sandler, Wolchik & Tein

^۳- Maforah, Molate, Matlakala & Mohlatole

^۴- Theunissen, Velderman, Cloostermans & Reijneveld

^۵- Yulaf & Semerci

افراد تمرکز دارد (رایسن، وادینگتون و هیر^۱، ۲۰۲۱). ورگلند، ریس و است^۲ (۲۰۱۶) اذعان داشتند که پشتیبانی قوی برای درمان شناختی- رفتاری به عنوان یک درمان مؤثر برای اختلالات رفتاری کودکان وجود دارد. کانگتون، دنون و مارچ^۳ (۲۰۱۷) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر برنامه درمانی شناختی- رفتاری بر مشکلات رفتاری کودکان انجام دادند، نتایج بدست آمده حاکی از این بود که درمان شناختی- رفتاری موجب بهبود عملکرد رفتاری در این کودکان گردید. ستیورینی، ویوو و آوالیا^۴ (۲۰۲۱) نیز در پژوهشی تأثیر درمان شناختی- رفتاری را بر روی دانش‌آموزان خانواده طلاق بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که درمان شناختی- رفتاری گروهی بر روی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق تأثیر معنادار دارد و موجب افزایش تاب‌آوری در دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق می‌گردد. همچنین تاو، لی، ژانگ، ژنگ، لئو و همکاران^۵ (۲۰۲۱) اذعان داشتند که مداخلات با تکنیک‌های ذهن آگاهی در کاهش سطح پرخاشگری کودکان مؤثر است.

با توجه به اینکه طلاق والدین می‌تواند پیامدهای طولانی مدت بر روی سلامت روان کودکان داشته باشد؛ لذا بسیار حائز اهمیت است که با تشخیص و مداخله بهنگام^۶ درصدد درمان اختلالات روانشناختی کودکان طلاق باشیم. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که مداخلات بهنگام تأثیر مثبتی بر روی سلامت روان و اختلالات روانشناختی دارند (کلیزی، لازاویا و روگری^۷، ۲۰۲۰؛

لرفینو، اسکات، کارپنتر، کراس، هرمنز و همکاران^۸، ۲۰۱۹). مداخله بهنگام باعث تعدیل و کاهش اثرات و پیامدهای اولیه اختلالات می‌گردد (دیوی و مک-گاری^۹، ۲۰۱۹). از این‌رو با توجه به بالا بودن آمار طلاق در کشور و اثرات زیانبار و آسیب‌زای آن بر سلامت روان کودکان و پیامدهای آن در بزرگسالی و از آنجایی- که در داخل کشور پژوهشی جهت تدوین برنامه مداخله- ای بهنگام ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری صورت نگرفته است؛ لذا در راستای کاهش اختلالات عاطفی- رفتاری در کودکان طلاق، تدوین برنامه مداخله‌ای بهنگام ویژه کودکان طلاق بسیار حائز اهمیت است. از این‌رو براساس آنچه بیان شد این پژوهش با هدف تدوین برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری و اثربخشی آن بر پرخاشگری کودکان طلاق انجام شد.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع آمیخته اکتشافی (کیفی- کمی) بود، روش پژوهش در بخش کیفی روش تحلیل مضمون و در بخش کمی نیمه آزمایشی با طرح پیش- آزمون- پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری در بخش کیفی شامل اسناد و متخصصان بودند که بخش اسناد را کلیه منابع حاوی دیدگاه‌های نظری و مطالعات مرتبط با رویکرد شناختی- رفتاری در حوزه کودکان خانواده‌های طلاق در پایگاه‌های اطلاعاتی گوگل اسکولار، مگیران، ایران داک، پاب مد، ساینس دایرکت و اسکوپوس در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲

^۱- Rayson, Waddington & Hare

^۲- Wergeland, Riise & Ost

^۳- Conaughton, Donovan & March

^۴- Setyorini, Wibowo & Awalya

^۵- Tao, Li, Zhang, Zheng, Lau & et al

^۶- Early intervention

^۷- Colizzi, Lasalvia & Rggeri

^۸- Lorfino, Scott, Carpenter, Cross, Hermens & et al

^۹- Davey & Mc-Gorry

تشکیل دادند؛ و در بخش متخصصان، جهت اعتباریابی برنامه تدوین شده از نظر متخصصان حوزه روانشناسی کودکان استثنائی و عضو هیئت علمی دانشگاه های استان گیلان در سال ۱۴۰۱ استفاده گردید. جهت تعیین اعتباریابی محتوایی برنامه مداخله، محتوای تدوین شده در اختیار ۸ نفر از متخصصان و اساتید روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی قرار گرفت تا براساس دانش و تجارب خود به ترتیب اهمیت، مهم ترین مؤلفه ها را شناسایی کنند و سپس به اصلاح محتوای برنامه مداخله ای اقدام نمایند (خلاصه جلسات مداخله ای در جدول ۱ ارائه شده است). روایی محتوایی برنامه مداخله با نظر ۸ متخصص و با استفاده از فرمول لاوشه نهایی گردید. میزان ضریب روایی محتوایی جلسات بین ۰/۷۵ تا ۱ بدست آمد که نشانگر روایی قابل قبول برنامه مداخله با سطح اطمینان ۹۵ درصد بود.

جامعه آماری در بخش کمی کلیه کودکان دختر خانواده های طلاق شهر آستانه اشرفیه در سال ۱۴۰۱ بود. از این رو برای اجرای پژوهش، با مراجعه به آموزش و پرورش شهر آستانه اشرفیه مجوزهای لازم برای ورود به مدارس دخترانه و انتخاب آزمودنی ها دریافت شد. پس از مراجعه به مدارس و هماهنگی های لازم با مدیریت، پرونده دانش آموزان بررسی شد و دانش آموزان خانواده طلاق از بین آنها انتخاب شدند. برای شناسایی کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری، چک لیست رفتاری کودک آخنباخ (۲۰۰۱) توسط والدین تکمیل گردید. بعد از بررسی و ارزیابی پرسشنامه ها، دانش آموزانی که دارای اختلالات عاطفی- رفتاری بودند، شناسایی شدند. از آنجا که مبنای انتخاب نمونه در تحقیقات آزمایشی برای هر گروه ۱۵ نفر است (بیابانگرد،

۱۳۹۱)؛ بر این اساس تعداد ۳۰ دانش آموز به صورت هدفمند با توجه به ملاک های ورود به پژوهش انتخاب شدند و در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل به صورت تصادفی جایدهی شدند. ملاک های ورود به پژوهش شامل: گذشت ۶ تا ۲۴ ماه از طلاق والدین، بازه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال، مشغول به تحصیل در دوره دوم ابتدائی و همچنین عدم شرکت در جلسات درمان روانشناختی و مصرف داروهای روانپزشکی به طور همزمان بود. از ملاک های خروج نیز انصراف کودک از ادامه همکاری و غیبت بیش از ۲ جلسه پیاپی از جلسات مداخله بود. ابتدا پرسشنامه پرخاشگری کودکان دبستانی^۱ شهیم به عنوان پیش آزمون برای هر دو گروه اجرا شد، سپس برنامه مداخله ای بهنگام ویژه کودکان طلاق که توسط پژوهشگران این پژوهش تدوین شد به مدت ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه ای، هفته ای دو جلسه توسط دانشجوی دکترای روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی با نظارت استاد راهنمای پژوهش بر روی گروه آزمایش اجرا شد؛ اما گروه کنترل مداخله ای دریافت نکرد. پس از پایان جلسات آموزش مجدد پرسشنامه پرخاشگری کودکان دبستانی شهیم بر هر دو گروه اجرا شد. اجرای پژوهش با هماهنگی های انجام شده در یکی از کلاس های مدارس اجرا شد. قبل از شروع جلسات ملاحظات اخلاقی از جمله اهداف پژوهش، رازداری، حفظ حریم افراد و آگاه کردن شرکت کنندگان از حق خود برای انصراف از شرکت در پژوهش توضیح داده شد. جهت توصیف آماری داده ها از میانگین و انحراف معیار، آزمون کلموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات، آزمون لوین جهت بررسی همسانی واریانس ها

^۱ - Children of primary school aggression questionnaire

استفاده شد. همچنین از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره برای تحلیل استنباطی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

جدول ۱ خلاصه جلسات برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق

جلسه	محتوای جلسه
اول	برقراری ارتباط بین اعضای گروه، مشخص کردن قوانین و چارچوب برای جلسات
دوم	ویژگی‌های انواع خانواده‌ها، فواید و معایب هر نوع از خانواده، بررسی ویژگی‌ها و معایب خانواده طلاق
سوم	شناخت احساس غم، شادی، خشم، ترس، شناخت علائم بدنی مرتبط، گفتگو درمورد سود و زیان آن‌ها، گفتگو درباره تمایز احساس، افکار و رفتار
چهارم	شناسایی احساس ترس، استرس و اضطراب در موقعیت‌های مختلف، آگاهی از منشأ و منبع احساس، گفتگو در مورد راهکارهای مقابله‌ای مناسب و گفتگو درباره ارتباط احساس، افکار و رفتار
پنجم	شناسایی یک مسئله، بارش فکری، بررسی سود و زیان راه‌حل‌ها و انتخاب بهترین راه‌حل برای مسئله
ششم	صحبت درباره‌ی افکار، شناخت افکار مثبت و منفی، ارزیابی یک موقعیت و افکار مختلف
هفتم	بحث و گفتگو در مورد افکار غیر منطقی و افکار خودآیند منفی، به چالش کشیدن افکار
هشتم	اصلاح افکار منفی و جایگزینی افکار مثبت به جای افکار منفی
نهم	روش‌ها نظارت بر خود، شناسایی موقعیت‌های خشم برانگیز، شناسایی افکار در موقعیت خشم، جایگزینی افکار خشم برانگیز با افکار مثبت
دهم	آموزش مهارت گفتگو، آموزش گوش دادن فعال، آموزش انواع سبک‌های ارتباطی
یازدهم	آموزش تنفس آگاهانه، آموزش ذهن آگاهی نسبت به حواس پنجگانه، آموزش ذهن آگاهی نسبت به افکار، آموزش تن آرامی
دوازدهم	مرور خلاصه جلسات

ابزار

چک لیست رفتاری کودک^۱: این چک لیست توسط آخنباخ و رسکورلا^۲ در سال ۲۰۰۱ برای کودکان و نوجوانان ۲ تا ۱۸ سال تدوین شد که توسط یکی از والدین یا سرپرست کودک تکمیل می‌گردد. این چک لیست مشکلات عاطفی- رفتاری کودکان (اضطراب، افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار قانون‌شکنی، رفتار پرخاشگرانه) را ارزیابی می‌کند و دارای ۱۱۳ گویه است. شیوه نمره‌گذاری براساس مقیاس ۳ درجه‌ای لیکرت است

(نادرست نمره صفر، گاهی درست نمره ۱ و کاملاً درست نمره ۲). گستره نمرات برای دامنه مرزی از ۶۰ تا ۶۳ و بالاتر از نمره ۶۳ برای دامنه بالینی در نظر گرفته شده است. آخنباخ (۲۰۰۱) ضریب پایایی این چک لیست را ۰/۷۴ گزارش نمود. ناکامورا، ابسوتانی، برنستین و چورپیتا^۳ (۲۰۰۹) ضریب آلفای کرونباخ این چک لیست را ۰/۸۱ گزارش نمودند. در ایران خوش‌کردار، برادران و رنجبر نوشری (۱۳۹۹) پایایی این چک لیست را ۰/۷۳ گزارش نمودند. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۱ بدست آمد.

^۱- Child Behavior Check List (CBCL)

^۲- Achenbach & Rescorla

^۳- Nakamura, Ebesutani, Bernstein & Chorpita

برای هر یک از خرده مقیاس‌های پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری رابطه‌ای و پرخاشگری کلامی را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۱ و ۰/۸۳ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۹ و برای خرده مقیاس‌های پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری رابطه‌ای و پرخاشگری کلامی هر کدام به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۰ و ۰/۷۶ بدست آمد.

یافته‌ها

نمونه در گروه آزمایش شامل ۱۵ نفر بود که از نظر سنی ۴ نفر (۲۶/۶۷٪) ۱۰ سال، ۶ نفر (۴۰٪) ۱۱ سال و ۵ نفر (۳۳/۳۳٪) ۱۲ سال بودند. همچنین از بین ۱۵ کودک شرکت‌کننده در گروه کنترل نیز ۳ نفر (۲۰٪) دارای ۱۰ سال سن، ۵ نفر (۳۳/۳۳٪) ۱۱ سال و ۷ نفر (۴۶/۶۷٪) ۱۲ سال بودند. علاوه بر این، میانگین سنی نمونه‌های گروه آزمایش ۱۱ سال و ۲ ماه و میانگین سنی نمونه‌های گروه کنترل ۱۱ سال و ۱۰ ماه بود. در جدول ۲ یافته‌های توصیفی متغیر پرخاشگری و ابعاد آن ارائه شده است.

پرسشنامه پرخاشگری کودکان دبستانی: این پرسشنامه برای کودکان دبستانی توسط شهیم در سال ۱۳۸۵ در ایران تنظیم شد. دارای ۲۱ گویه با پاسخ چهار گزینه‌ای لیکرت است که توسط والدین یا معلم تکمیل می‌گردد. این پرسشنامه سه بعد پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری رابطه‌ای و پرخاشگری کلامی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گویه‌های بعد پرخاشگری کلامی شامل سؤالات ۱-۶، گویه‌های بعد پرخاشگری جسمانی شامل سؤالات ۷-۱۳ و گویه‌های بعد پرخاشگری رابطه‌ای شامل سؤالات ۱۴-۲۱ است. حداقل و حداکثر نمره بین ۲۱ تا ۸۴ است و نمره بالاتر در این پرسشنامه به منزله پرخاشگری بیشتر در کودکان است. شهیم (۱۳۸۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ و برای خرده مقیاس‌های پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری رابطه‌ای و پرخاشگری کلامی به ترتیب، ۰/۸۵، ۰/۸۹ و ۰/۸۳ گزارش نمود (شهیم، ۱۳۸۵). شیرزادی، امینی شیرازی و اصغریور (۱۴۰۰) طی پژوهشی که بر روی کودکان دبستانی انجام دادند، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۰ و

جدول ۲ یافته‌های توصیفی متغیر پرخاشگری و ابعاد آن

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری کلامی	آزمایش	۱۶/۶۷	۰/۵۱	۸/۱۳	۰/۱۷
	کنترل	۱۶/۶۰	۰/۴۵	۱۵/۲۰	۰/۴۴
پرخاشگری جسمانی	آزمایش	۱۰/۵۳	۰/۴۱	۸/۱۳	۰/۲۳
	کنترل	۱۰/۷۳	۰/۴۰	۱۰/۶۶	۰/۳۲
پرخاشگری رابطه‌ای	آزمایش	۱۶/۹۳	۰/۶۸	۱۱/۷۳	۰/۲۵
	کنترل	۱۷/۰۰	۰/۶۵	۱۶/۳۳	۰/۵۲
نمره کل پرخاشگری	آزمایش	۴۴/۱۳	۱/۰۲	۲۸/۰۰	۰/۳۸
	کنترل	۴۴/۳۳	۰/۹۵	۴۲/۲۰	۰/۷۶

رعایت پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک، مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها یعنی بررسی نرمال بودن توزیع نمرات توسط آزمون کولموگروف- اسمیرنوف و همسانی واریانس‌ها توسط آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

مطابق نتایج جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نمرات کلی پرخاشگری در نمونه‌های گروه آزمایش در پس-آزمون کاهش پیدا کرده است. این در حالی است که میانگین نمرات کلی پرخاشگری در گروه کنترل تغییر چندانی نداشته است. پیش از انجام تحلیل استنباطی داده‌ها (تحلیل کوواریانس یک متغیره و چند متغیره)، جهت

جدول ۳ نتایج آزمون‌های کولموگروف- اسمیرنوف و لوین در مورد پیش‌فرض نرمال بودن نمرات در پیش‌آزمون و همسانی واریانس‌ها

متغیر	گروه	آماره	کولموگروف- اسمیرنوف			لوین		
			سطح معناداری	درجه آزادی	F	درجه آزادی	درجه آزادی	سطح معناداری
پرخاشگری	آزمایش	۰/۱۲۰	۰/۲۰۰	۱۵	۰/۳۵۹	۱	۲۸	۰/۵۵۴
	کنترل	۰/۱۷۲	۰/۲۰۰	۱۵				

بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری بر پرخاشگری کودکان طلاق از تحلیل کواریانس تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

براساس نتایج جدول ۳، سطح معناداری متغیر پرخاشگری در هیچ‌کدام از آزمون‌ها معنی‌دار نبود ($P > ۰/۰۵$)؛ بنابراین شرایط نرمال بودن توزیع نمرات و همسانی واریانس‌ها به‌درستی رعایت شده بود. لذا منعی برای استفاده از آزمون تحلیل کواریانس وجود نداشت. جهت

جدول ۴ نتایج تحلیل کواریانس تک متغیره تأثیر برنامه مداخله‌ای بهنگام بر پرخاشگری کودکان طلاق

متغیر	منبع	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری	مجدور تا	توان آماری
پرخاشگری	پیش‌آزمون	۳۱/۲۱۵	۱	۳۱/۲۱۵	۷/۰۷۱	۰/۰۱۳	۰/۲۰۸	۰/۷۲۷
	گروه	۱۴۹۹/۴۵۵	۱	۱۴۹۹/۴۵۵	۳۳۹/۶۸۴	۰/۰۰۰۱	۰/۹۲۶	۰/۹۹۹

پیش‌آزمون مهار شده است و نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین باقیمانده نمرات پرخاشگری در دو گروه آزمایش و کنترل پس از مهار تأثیر پیش-آزمون معنی‌دار است ($P < ۰/۰۱$)؛ به عبارت دیگر، نزدیک به ۹۳٪ از تفاوت‌های ایجاد شده در متغیر وابسته

براساس نتایج جدول ۴، بین دو گروه در نمرات پرخاشگری ($F=۳۳۹/۶۸۴$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$) به‌طوری‌که برنامه مداخله‌ای تدوین شده توانسته است باعث کاهش معنادار میانگین نمرات پرخاشگری در کودکان طلاق شود. در این تحلیل تأثیر

رفتاری بر کاهش پرخاشگری کودکان طلاق مؤثر بود. همچنین برای بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق بر ابعاد پرخاشگری از آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره استفاده شد که نتایج آن در جداول ۵ و ۶ ارائه شده است.

(پرخاشگری) به تأثیر متغیر مستقل (برنامه مداخله‌ای بهنگام ویژه کودکان طلاق) مربوط است. توان آماری ۰/۹۹۹ نیز نشان دهنده کفایت حجم نمونه و پایین بودن خطای نوع دوم است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی-

جدول ۵ نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره اثربخشی برنامه مداخله‌ای بهنگام بر ابعاد پرخاشگری کودکان طلاق

متغیر	اثر	ارزش	F	سطح معناداری	مجذور	توان
				آمار	آمار	آمار
پرخاشگری	اثر پیلایی	۰/۹۳۵	۱۱۰/۳۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۹۳۵	۰/۹۹۹
	لامبدای ویلکز	۰/۰۶۵	۱۱۰/۳۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۹۳۵	۰/۹۹۹
	اثر هتلینگ	۱۴/۳۹۱	۱۱۰/۳۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۹۳۵	۰/۹۹۹
	بزرگترین ریشه روی	۱۴/۳۹۱	۱۱۰/۳۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۹۳۵	۰/۹۹۹

مستقل (برنامه مداخله‌ای بهنگام ویژه کودکان طلاق) مربوط است. توان آماری ۰/۹۹۹ نیز نشان دهنده کفایت حجم نمونه و پایین بودن خطای نوع دوم است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برنامه مداخله‌ای بهنگام بر کاهش ابعاد پرخاشگری کودکان طلاق مؤثر بود. جدول ۶ نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پس آزمون ابعاد پرخاشگری را نشان می‌دهد.

براساس نتایج جدول ۵، مقادیر اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگترین ریشه روی نشان می‌دهند که در ابعاد پرخاشگری (پرخاشگری کلامی، جسمانی و رابطه‌ای) بین دو گروه آزمایش و کنترل از نظر حداقل یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنادار وجود دارد ($F=110/333$ و $P<0/01$). همچنین نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۴٪ از تفاوت‌های ایجاد شده در متغیرهای وابسته (ابعاد پرخاشگری) به تأثیر متغیر

جدول ۶ نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمرات پس آزمون ابعاد پرخاشگری

متغیر	مرحله	ابعاد پرخاشگری	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح	مجذور	توان
			مجذور	آزادی	مجذورات		معناداری	آمار	آمار
پرخاشگری	پیش آزمون	پرخاشگری کلامی	۱/۷۸۹	۱	۱/۷۸۹	۱/۰۶۶	۰/۳۱۲	۰/۰۴۱	۰/۱۶۸
		پرخاشگری جسمانی	۳/۰۴۵	۱	۳/۰۴۵	۳/۰۷۷	۰/۰۹۲	۰/۱۱۰	۰/۳۹۳
		پرخاشگری رابطه‌ای	۹/۷۶۲	۱	۹/۷۶۲	۴/۲۱۷	۰/۰۵۱	۰/۱۴۴	۰/۵۰۶
	گروه	پرخاشگری کلامی	۳۷۵/۵۲۲	۱	۳۷۵/۵۲۲	۲۲۳/۶۵۸	۰/۰۰۰۱	۰/۸۹۹	۰/۹۹۹
		پرخاشگری جسمانی	۴۵/۶۴۹	۱	۴۵/۶۴۹	۴۶/۱۴۲	۰/۰۰۰۱	۰/۶۴۹	۰/۹۲۷
		پرخاشگری رابطه‌ای	۱۵۷/۱۱۸	۱	۱۵۷/۱۱۸	۶۷/۸۷۲	۰/۰۰۰۱	۰/۷۳۱	۰/۹۹۹

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که مقدار F بدست آمده برای هر سه مؤلفه پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری رابطه‌ای و پرخاشگری کلامی در سطح $p < 0/01$ معنادار شده است، از این رو می‌توان گفت که برنامه مداخله‌ای بهنگام بر پرخاشگری کودکان طلاق تأثیر معنادار دارد. به‌طوری‌که برنامه مداخله‌ای بهنگام منجر به کاهش پرخاشگری کلامی، پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری رابطه‌ای در کودکان طلاق شد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری و بررسی اثربخشی آن بر پرخاشگری کودکان طلاق انجام شد. یافته بخش کیفی پژوهش نشان داد که روایی محتوایی برنامه مداخله با توجه به نظر متخصصان و اساتید هیئت علمی دانشگاه معادل $0/75$ تا 1 بدست آمد. از این رو می‌توان اظهار داشت برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری تدوین شده، دارای روایی مطلوب است و محتوای جلسات برنامه مداخله‌ای از نظر متخصصان و اساتید هیئت علمی تا حد قابل قبولی ضروری است. این یافته همسو با یافته پژوهش پدروکارول (۲۰۱۱) بود که در مطالعه‌ای به تدوین پروتکل درمانی بر روی مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی شده کودکان طلاق پرداخت و نتایج مطالعه نشان داد که پروتکل درمانی تدوین شده ویژه کودکان طلاق دارای روایی مطلوب بوده و بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان طلاق تأثیر معنادار دارد.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که در خانواده‌های طلاق یکی از تجاربی که مکرر توسط فرزندان اتفاق می-

افتد، وجود خشونت بین والدین مخصوصاً در سال‌های منتهی به طلاق است. برخی گزارش‌ها حاکی از این است که گاهی فرزندان قربانی خشونت والدین در این خانواده‌ها می‌گردند و رابطه فرزند با والد یا والدین با واکنش عاطفی منفی همراه است که آن‌ها را به سمت رفتارهای مشکل‌زا سوق می‌دهد (فگان و چرچیل^۱، ۲۰۱۲). کودکان طلاق به علت روابط ناسالم و ناکارآمد خانواده دچار ضعف‌هایی در حل مسائل، مدیریت خشم و ارتباط مؤثر با دیگران می‌گردند. همچنین به علت کشمکش و تعارضات در روابط این کودکان می‌توانند دچار نقص‌هایی در تعبیر و تفسیر رویدادها شوند؛ به‌عبارتی دیگر دچار تحریفات و خطاهای شناختی گردند که به مشکلات روانشناختی آنان دامن می‌زند. از این رو مهارت‌های شناختی آموزش داده شده در این برنامه مداخله‌ای به کودکان طلاق کمک کرد تا با شناسایی افکار خودآیند منفی، باورهای ناکارآمد و مهارت حل مسئله، به اصلاح تفکرات خود پردازند و به طور مؤثر و کارآمدتری روابط خود را مدیریت کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین میانگین نمرات پرخاشگری و مؤلفه‌های آن در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون کاهش معناداری وجود دارد؛ به عبارتی یافته پژوهش بیانگر آن است که برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری موجب کاهش پرخاشگری در کودکان طلاق گردید. این یافته تا حدودی با نتایج پژوهش‌های وچر و همکاران (۲۰۲۲)؛ تاو و همکاران (۲۰۲۱)؛ ستیورینی و همکاران (۲۰۲۱)؛ کلیزی و همکاران (۲۰۲۰)؛ اسلاگتر و همکاران (۲۰۲۰)؛

^۱ - Fagan & Churchill

زینل‌دین (۲۰۱۹)؛ لرفینو (۲۰۱۹) و پدروکارول (۲۰۱۱) همسو بود. نتایج پژوهشی آنها نیز حاکی از اثربخشی برنامه مداخلاتی بر روی اختلالات رفتاری کودکان بود. در تبیین این یافته می‌توان این‌طور بیان کرد که پرخاشگری مجموعه‌ای بسیار وسیع از رفتارهای متنوع و ناهمگون است. شناخت دقیق پرخاشگری، نشانه‌های ظاهری و علل زیر بنایی آن گامی مهم در انتخاب مداخلات و درمان مناسب محسوب می‌شود. از آنجایی که برخی محرک‌ها مانند عوامل محیطی و خانوادگی در ایجاد رفتارهای مشکل‌آفرین در کودکان نقش دارند، مسیر رشد رفتارهای پرخاشگرانه و ناسازگارانه را در آنها تقویت می‌کنند. نوع ارتباط والدین با فرزندان، می‌تواند مشکلات عاطفی- رفتاری را در کودکان افزایش دهد و موجب تشدید آن گردد (رادفر، زارعی، سودانی و معلم، ۱۴۰۰). در خانواده‌های طلاق از آنجایی که جنگ و نزاع در سطح بالایی قرار دارد، از این‌رو الگوگیری خشم و پرخاشگری در کودکان اتفاق می‌افتد؛ به عبارتی پرخاشگری راه‌حلی برای حل مشکلات و تعارض‌ها در کودکان طلاق می‌شود. از طرف دیگر از آنجایی که اضطراب در کودکان خانواده- های طلاق در سطح بالایی قرار دارد؛ لذا پرخاشگری در آنها می‌تواند یک راهکار انتخابی برای تعدیل سطح اضطراب گردد که می‌تواند پرخاشگری از نوع کلامی، رابطه‌ای یا جسمانی باشد (تاو و همکاران ۲۰۲۱).

مطالعه سلیمانی، سلیمانی و پیرنیا (۱۳۹۶) نشان داد که کاهش سطح اضطراب می‌تواند منجر به تعدیل ناسازگاری‌های رفتاری و مشکلات خلقی از جمله پرخاشگری در کودکان گردد. درمان‌های مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری بر روی شناخت هیجانات،

تغییر افکار، خودگویی‌های منفی و خطاهای شناختی تمرکز دارد. از آنجایی که کودکان خانواده‌های طلاق خود ادراکی و افکار خودآیند منفی بیشتری را نسبت به کودکان خانواده‌های عادی تجربه می‌کنند، برنامه مداخله‌ای بهنگام تدوین شده مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری باعث بهبود افکار، اعمال و رفتارهای کودک طلاق شده و با کسب مهارت‌های جدید مانند مهارت حل مسئله، مدیریت خشم و ذهن آگاه بودن در لحظه و موقعیت‌ها، موجب بهبود رفتارهای ناکارآمد گردید. تأکید برنامه مداخله‌ای پژوهش بر تغییر و اصلاح افکار منفی کودکان طلاق به افکار مثبت بود تا موجب تعدیل افکار منفی و انتخاب راهکارهای کارآمد و کنترل خشم در آنها گردد. در این برنامه مداخله، تکنیک‌هایی جهت کنترل خشم به کودکان آموزش داده شد تا کودک در موقعیت‌هایی که موجب خشم و پرخاشگری می‌شود، به هیجانات و افکار منفی خود آگاه باشد و از تکنیک‌ها برای مهار خشم خود بهره بگیرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سوگیری توجه، از مبانی اصلی پرخاشگری است از این‌رو با افزایش کنترل توجه از عوامل بیرونی به عوامل درونی و کاهش سوگیری توجه بر کاهش عصبانیت و پرخاشگری مؤثر است و باعث بهبود نشانه‌های احساس، افکار و پرخاشگری می‌شود (آلسم، کیولن، ورهالپ، دیجک و کاسترو^۱، ۲۰۲۱). در برنامه مداخله‌ای تدوین شده با استفاده از تکنیک‌های شناختی، کودکان یاد گرفتند تا افکار منفی و افکاری که منجر به پرخاشگری می‌شوند را شناسایی کنند و آنها را با افکار مثبت جایگزین کنند. مهارت‌های شناختی آموزش داده شده در این برنامه مداخله به کودکان طلاق کمک شد تا با

^۱ - Alsem, Keulen, Verhulp, Dijk & Castro

بر خود لازم می‌دانیم از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش با ما همکاری نمودند، صمیمانه قدردانی نماییم و اعلام می‌داریم که این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع و منابع مالی نداشته است.

References

- Abedin S, Heydari S. (2021). Comparatively, interpret the family drawings test for normal and divorced children as well as orphans and abandoned (9 to 14 years old) with an emphasis on the study of anxiety, depression, and aggression. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 8(3), 140-155. (In Persian)
- Achenbach TM, Rescorla LA. (2001). *Manual for the ASEBA school-age forms & profiles*. Burlington: University of Vermont Research Center for Children, Youth, & Families.
- Alsem SC, Keulen J, Verhulp EE, Dijk AV, Casyro B. (2022). Capturing mechanisms of change: Weekly covariation in anger regulation, hostile intent attribution, and children's aggression. *Aggress Behav*, 48(2), 232-240.
- Biabangard I. (2012). *Research Methods in Psychology and Educational Sciences seventh edition ed*. Tehran: Doran. (In Persian)
- Colizzi M, Lasalvia A, Ruggeri M. (2020). Prevention and early intervention in youth mental health: is it time for a multidisciplinary and tras-diagnostic model for care? *International Journal of mental health systems*, 23, 1-10.
- Conaughton RJ, Donovan C L, March S. (2017). Efficacy of an internet-based CBT program for children with comorbid high functioning autism spectrum disorder and anxiety: a randomized controlled trail. *Journal of Affective Disorders*, 218, 260-268.
- Davey CHG, McGorry P D. (2019). Early intervention for depression in young people: a blind spot in mental health care. *Psychiatry*, 6(3), 267-272.
- Fazel P, Tahmasebi Garmtani S, Hosseini Almadani SA. (2020). Post-divorce coaching: a new intervention to facilitate divorce adjustment.

شناسایی باورهای ناکارآمد و شناخت عواقب رفتارهای ناکارآمد خود در روابط بین فردی به اصلاح تفکرات خود پردازند و افکاری را که موجب رفتارهای پرخاشگرانه در آنها می‌گردند را اصلاح کنند. جایگزینی رفتارهای منفی و پرخاشگرانه با رفتارهای مثبت و بهبود مهارت ارتباط بین فردی، مقابله با هیجانات منفی و مهارت حل مسئله و کنترل خشم که در نتیجه آموزش برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق حاصل شد، توانست پرخاشگری کودکان طلاق را کاهش دهد.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که برنامه مداخله‌ای بهنگام مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری ویژه کودکان طلاق دارای اختلالات عاطفی- رفتاری بر پرخاشگری کودکان طلاق اثربخش بود. از محدودیت- های پژوهش می‌توان به محدود بودن نمونه‌های پژوهش به جامعه دختران و دامنه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال اشاره کرد که تعمیم نتایج را به جامعه پسران و سایر گروه‌های سنی با محدودیت مواجه می‌نماید و همچنین عدم اجرای مرحله پیگیری از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد که برنامه مداخله تدوین شده، بر جامعه پسران نیز اجرا گردد و جهت ارزیابی تداوم و ثبات اثربخشی برنامه مداخله، دوره پیگیری نیز انجام گیرد.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از رساله مقطع دکترای روانشناسی با شناسه اخلاق IR.IAU.SRB.REC.1400.277 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران بود.

- Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry, 7(1), 153-175. (In Persian)
- Khoshkardar SF, Baradaran M, Ranjbar Noushari F. (2020). The role of parenting styles, parental stress and children's executive functions deficits in predicting the children's internalizing and externalizing problems. *J Child Ment Health*, 7(2), 156-168.
- Lahdepuro A, Savolainen K, Lahti-Pulkinen M, Eriksson JG, Lahti J, ... & et al. (2019). The Impact of early life stress on anxiety symptom in late adulthood. *Sci Rep*, 13(9), 4395-4405.
- Lorfinio F, Scott EM, Carpenter JS, Cross Sh, Hermens DF, ... & et al. (2019). Clinical stage transitions in person aged 12 to 25 years presenting to early intervention mental health services with anxiety, mood and psychotic disorders. *Original investigation*, 76(11), 1167-1175.
- Maforah NF, Molate M, Matlakala FK, Mohlatole NE. (2021). Psychosocial effects of divorce on young women who grew up in divorced families at Rustenburg, Moruleng Village. *Technium Soc. Sci J*, 23, 689-696.
- Nakamura BJ, Ebesutani C, Bernstein A, Chorpita BF. (2009). A Psychometric analysis of the child behavior checklist DSM-oriented scales. *J Psychopathol Behav Assess*, 31(3), 178-189.
- O'Hara KL, Sandler LN, Wolchik SA, Tein JY. (2019). Parenting time, parenting quality, interparental conflict, and mental health problems of children in high-conflict divorce. *J fam Psychol*, 34(1), 23-33.
- Pedro-Carroll JL. (2011). How parents can help children cope with separation/divorce. *Encyclopedia on Early Childhood Development*, available in <http://www.childencyclopedia.com>
- Radfar S, Zarei E, Sodani M, Moallem M. (2022). The effectiveness of parenting education package on reducing the probles of aggression and breaking the law in adolescents: A quasi-experimental study. *JRUMS*, 21(1), 17-32. (In Persian)
- Rayson K, Waddington L, Hare D. (2021). The quality of research exploring in-session measures of CBT competence: a systematic review. *Behavioral and cognitive Psychotherapy*, 50(1), 1-10.
- Sabzevari P, Khoeynejad G, Saffarian Tusi MR. (2022). Evaluation of the effectiveness of bowen's family-centered approach on improving communication patterns and marital conflicts in women with emotional divorce. *Islamic life style*, 6(2), 133-140. (In Persian)
- Sadock BJ, Sadock VA. (2022). *Kaplan and Sadok's Synopsis of Psychiatry*.
- Setyorini WW, Wibowo ME, Awalya A. (2021). The effectiveness of cognitive behavioral therapy group counseling to improve the resilience of students as divorce victims. *Jurnal Bimbigan Konseling*, 10(3), 1-10.
- Shahim S. (2007). Relational Aggression in Preschool Children. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*, 13(3), 264-271. (In Persian)
- Shirzadi P, Amini Shirzadi N, Asgarpour lashkani Z. (2020). Relationship between corona anxiety in mothers and parent-child interaction and children's aggression during quarantine days. *Journal of Family Research*, 16(2), 139-154.
- Slaughter KE, Leaberry KD, Fogleman ND, Rosen PJ. (2020). Reactive and proactive aggression in children with and without ADHD and negative emotional lability. *Soc Dev*, 29(1), 320-338.
- Soleimani Ak, Soleymani A, Pirmia K. (2017). Behavioral Problems and Psychological Treatments, the Effectiveness of Parent-Child Interaction Therapy -Based Play Therapy Training on Aggression in Children, a Pilot Randomized Controlled Trial. *Clinical Psychology Studies*, 7(27), 47-69. (In Persian)
- Tao S, Li J, Zhang M, Zheng P, Lau E, Sun J, Zhu Y. (2021). The effect of mindfulness-based interventions on child and adolescent aggression: a systematic review and meta-analysis. *Mindfulness*, 12, 1301-1315.
- Theunissen MHC, Klein Velderman M, Cloostermans APG, Reijneveld SA. (2017). *Emotional and Behavioural Problems in Young Children*

- with Divorced Parents. *European Journal of Public Health*, 27, 840-845.
- Vacher C, Romo L, Dereure M, Soler M, Picot MC, Purper-Quakil D. (2022). Efficacy of cognitive behavioral therapy on aggressive behavior in children with attention deficit hyperactivity disorder and emotion dysregulation: study protocol of a randomized controlled trial. *Trials*, 7(23), 124-134.
- Verhoef R, Dik A, Castro B. (2021). A Dual-Mode social-information processing model to explain individual difference in children's aggressive behavior. *Clinical Psychological Science*, 10(1), 41-57.
- Wergeland G, Riise EN, Ost L. (2021). Cognitive behavior therapy for internalizing disorders in children and adolescents in routine clinical care: A systematic review and meta-analysis. *Clin Psychol Rev*, 83, 1-10.
- Yousefi Afrashte M, Khanahmady F, Masoumi S. (2021). The effectiveness of neurofeedback in reducing attention deficit and aggression in children aged 7-9 years. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 8(3), 52-62. (In Persian)
- Yulaf Y, Semerci ZB. (2018). Comparison of psychiatric disorders between children with a history of parental divorce and parental death. *Psychiatry and Behavioral Sciences*, 8(4), 171-177.
- Zineldin M. (2019). TCS is blame: The impact of divorce on physical and mental health. *Int j Prev Med*, 12(10), 141-151.